وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ هشتم | چهارشنبه ۶ جوزا ۱۳۸۳ - ۶ ربیع الثانی ۱۴۲۵ | 25 May 2004

سرمقاله
مجاهدین وچالش های انتخابات آینده
کدام یکی‌بی کرزی یا با کرزی
ص۲

جمعیت العلمای اسلام وانشعاب
ص۶

استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت در گفتگو بامجاهد:

من از دورهٔ مؤقت تاکنون در بارهٔ کارهای حکومت آقای کرزی انتقادهایی داشته ام

جمعیت در زمینه های ارزشی، امنیتی، ملی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی وامنیتی شرط هایی دارد هرکه آنها را عمل کند مورد حمایت آن قرار می گیرد

به زودی چند وچون بازسازی وسازمان دهی مجدد جمعیت اعلام خواهد شد



مجاهد: از وقتی که مسألهٔ کاندیدای ریاست جمهوری مطرح شده است، شما می گفتید جمعیت باتوافق باسایر مجاهدان کاندیدایی را برای این منظور معرفی خواهند کرد، ولی تاکنون چند روزی بیش به پایان دورهٔ اعلام کاندیداها نمانده است، شما نه خود ونه کسی دیگر را به این منظور معرفی داشته اید، دلیل این کار چیست؟

استاد: طوری که در آغاز اعلان نموده بودیم با توافق با سایر دوستان ومجاهدین در مورد معرفی کاندیدای مورد نظر تصمیم می گیریم، هنوز هم بر همان حرف خود استوار هستم، باجمعی از فرماندهان ورهبران جهادی مذاکراتی مسلسل داریم، وبعد از توحید نظرات آنچه که مورد قبول همه قرار گیرد، اعلان خواهد شد.

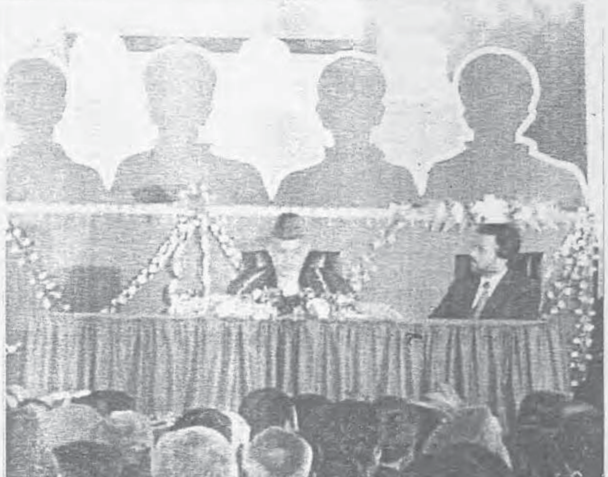
مجاهد: با آن که شما پیوسته پس از به میان آمدن ادارهٔ موقت وسپس دولت انتقالی از برخی از سیاست های حکومت آقای کرزی انتقاد کرده اید، گفته می شود جمعیت وارد ائتلافی شده است که آقای کرزی را به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری خود معرفی خواهد کرد، آیا این آوازه صحت دارد واگر صحت دارد دلیل آن چیست؟

استاد: در دورهٔ ادارهٔ مؤقت ودولت انتقالی انتقادهایی اصولی را به صلاح ملت در بارهٔ بسیاری از کارهای دولت مطرح کرده ام، ترکیب کابینه وعملکرد دولت مورد تأییدم نبود، چنین ترکیبی در کابینه و دوام روش قبلی بازهم برایم قابل قبول نیست، طرفدار تغییر عمده در اداره ونظام اداری می باشم.

مجاهد: چرا جمعیت به عنوان یک سازمان مقتدر وفراگیر خود کاندیدایی مشخص برای ریاست جمهوری معرفی نمی کند؟

استاد: جمعیت به منظور پیاده کردن اهداف وآرمان هایی عرض اندام نموده است، واصرار ما برپیاده کردن این اهداف است، این اهداف توسط هر شخصی پیاده شود ما از او حمایت می کنیم،
ص۳

آموزگار مردمک چشم جامعه
ص۳



روز معلم باشکوهی ویژه تجلیل شد

در محفلی که به مناسبت روز معلم به روز یکشنبه مورخ ۳جوزا در تالار لیسهٔ امانی برگزار گردید، آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، معاونان ریاست دولت، بعضی از اعضای کابینه، سفرای کشورهای خارجی مقیم کابل، نمایندهٔ عده یی از مؤسسات بین المللی، شخصیت های جهادی، معلمان وشاگردان مکاتب شرکت کرده بودند.

در این محفل آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان پیرامون اهمیت این روز صحبت نموده گفت: افتخار داریم که از مقام محترم معلم تجلیل می نماییم. وتجلیل از این روز، تجلیل از آیندهٔ مرفه کشور ما است. مردم این سرزمین باهمت بلند وسعی فراوان به طرف آبادی وبازسازی به پیش می رود واین پیش رفت بدون زحمت وسعی شما معلمان ص۵

وزیر تحصیلات عالی پوهاند شهرانی را به نقض حقوق بشر متهم کرد

امسال بر خلاف سال های گذشته، وزارت تحصیلات عالی دولت انتقالی افغانستان، به تعداد یک صدو بیست وسه تن از فارغان مکاتب عمومی را به دانشکدهٔ شرعیات غرض تحصیلات عالی معرفی نمود که در واکنش به این اقدام ، چند روز پیش شورای علمی آن دانشکده فیصله کرد که از پذیرش این تعداد دانشجویان معذرت خواسته شود. تا جایی که دیده می شود فیصلهٔ شورای علمی دانشکدهٔ شرعیات مبنی بر رد پذیرش دانشجویان مذکور قانونی می نماید و طبق معیار های قبول شدهٔ اکادمیک در حوزهٔ دانشگاه صورت گرفته است ؛ چه فاکولتهٔ شرعیات مرحلهٔ اختصاصی وانکشاف یافتهٔ علوم دینی است و کسانی که در این دوره شامل درس می شوند ، بایستی مراحل مقدماتی و پیش دانشگاهی خود را ص۷

لاس انجلس تایمز:

افغانستان د نړیوالي ټولني د راهدار له صفحي ليري ښکاري

لاس انجلس تایمز ورځپاني د ملت جوړوني ناسمه لاره تر سر ليك لاندي چي په افغانستان او عراق کي د ملگرو ملتونو د استازي لخضر براهيمي په رول رڼا اچولي ده يو مطلب خپور کړيدي چي غټ ټکي ئي قدرمندو لوستونکيو ته وړاندي کوو: ورځپانه ليکي په افغانستان کي د لخضر براهيمي د سياسي رول پانه مخ په زړيدو ده او اوس ئي مخ د عراق په لور اړولي دي د مقالي ليکونکي پوښتنه کوي چي ښاغلي براهيمي په افغانستان کي څه وکړل چي اوس به د عراق چاري سمي کړي. فعلاً افغانستان د نړيوالي ټولني د راهدار له صفحي لري ښکاري ملگرو ملتو چي په دغه هيواد کي خپل کار پيل کړ لخضر براهيمي ئي د افغانستان د چارو دسمولو په مقصد خپل استازی و ټاکه که څه هم عراق او دافغانستان دواړه د اسي بيل بيل ملکونه دي چي ډير توپير سره لري.

د بيلگي په توگه دعراق خلك تعليم يافته دي او د حکومت کولو لپاره زير بناوي لري او داسي اداري تاسيسات هم لري ص۵

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

مجاهدین وچالش های انتخابات آینده
کدام یک،بی کرزی یا باکرزی؟

زمانی زیاد برای پایان دور اعلام نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری نمانده است و درمیان کاندیداهای ریاست جمهوری، مجاهدین کاندیدایی قوی را که از سوی جمعی از آنان حمایت شود، معرفی نکرده اند. شماری از سران مجاهدین از پیش حمایت خود را از کاندیداتوری آقای کرزی اعلام داشته بودند. درحالی که شماری دیگر از آنان تاهنوز در بارهٔ حمایت از کاندیداتوری آقای کرزی سخنی نگفته اند با آن که کاندیدای مستقل خود را هم معرفی نکرده اند. چنین به نظر می آید که بحث«باکرزی یا بی کرزی» در معرکهٔ انتخابات آینده رفتن تا هنوز به پایان نرسیده است. شاید آقای کرزی هم به همین دلیل تاکنون به گونهٔ رسمی خود را نامزد احراز مقام ریاست جمهوری نکرده است ومنتظر است که این بحث چگونه پایان می یابد. بدون اندکترین تردیدی نتیجهٔ این بحث ها اثری تعیین کننده در سرنوشت نامزدی آقای کرزی خواهد گذارد.

این بحث ها بیشتر برمحور چگونگی ساختار دولت آینده و برنامه های آن می چرخد وشاید یکی از دلایل طولانی شدن این بحث ها دلهره ها ونگرانی های ناشی از تجربهٔ دوسا له باشد. چون پیوسته برخی از رهبران مجاهدین آقای کرزی را در اتخاذ برخی از سیاست ها وپالیسی هایش مورد انتقاد قرار داده وعملکردهای شماری از او را مخالف تعهدات وی در پیش از لویه جرگهٔ اضطراری خوانده اند.

جمعیت اسلامی افغانستان در مرحلهٔ کنونی با در نظر داشتن شرایط و اوضاع ملی و بین المللی به جای پرداختن به رقابت های انتخابات جهت دست یافتن به قدرت سیاسی ترجیح می دهد که در جهت استحکام ثبات سیاسی وتسریع روند بازسازی باملحوظ قرار دادن منافع و حاکمیت ملی و ارزش های دینی فرهنگی مردم افغانستان که ارزش های تغیر ناپذیر جمعیت هم است، تلاش ورزد، لذا جمعیت در بحث حمایت از کاندیداهای ریاست جمهوری بیشتر به توافق بربرنامه ها واستراتژی آنان توجه می ورزد تا به شریک شدن در قدرت. لذا جمعیت پیش از اعلام حمایتش از کاندیدایی مشخص می خواهد«پلات فارم»، برنامهٔ عمل او در دولت آینده در چهارچوب قانون اساسی کشور مشخص شود و بر سر جزئیات آن توافق صورت پذیرد و نیز جمعیت مطمئن گردد که این برنامه به عنوان شاخص های خط مشی دولت آینده مورد اجرا قرار می گیرد.

اسلام دموکراسی وانتخابات

عبد العلی کوهی
استاد فاکولتهٔ ادبیات دانشگاه کابل

در برخی از کشورهای اسلامی هم اکنون دیده می شود که مردم در تعیین سرنوشت خود به شیوه یی که مناسب است سهم می گیرند. در اغلب کشورهای اسلامی وغیر اسلامی مردم به تأسیس وایجاد نهادهای مدنی دست یازیده اند واز طریق این نهادها به صورت متداوم با دولت وآنهایی که در سطوح مختلف سیاسی حضور دارند، در ارتباط می باشند. باید خاطر نشان ساخت که دولت تنها منبع نظم امور جامعه نیست، بلکه متضمن رفاه آن نیز است، همان گونه که انسان موجود چند بعدی است، جامعهٔ انسانی نیز از ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی واجتماعی تشکیل گردیده است. بزرگترین مصلحان جهان در حوزهٔ تمدن اسلامی به وجود آمده اند ، سید جمال الدین افغان تکنالوژی معاصر را بازبان های ملی می خواست، به گونه یی که هویت ملی وساختار فرهنگی ما را خدشه دار نسازد، اقبال دوباره دکترین اسلام را در روشنی افکار جدید تقاضا می نمود. سرسید احمد شخصیت اصلاح طلب شبه قارهٔ هند در قرن نزده مثل شیخ محمد عبده، بر آن بود که در تحلیل نهایی اسلام باعلم ناسازگار نیست. او ادعا کرد که دلیل حقانیت اسلام سازگاری وهمآهنگی آن باقوانین علمی است وآنچه مغایر این اصل باشد، اسلام راستین به شمار نمی رود و برمبنای این تیوری، سید احمد در سال۱۸۷۵م در علیگره دانشکده یی بنیاد نهاد که در آن تعلیم وتربیت دینی با تحقیقات علمی امروزین در آمیزد وبدین ترتیب نخستین سازمان امروزین و یا به اصطلاح، مدرن را در اسلام تأسیس کرد. تا این که علیگره رونق یافت و در سال ۱۹۲۰م به صورت دانشگاه علیگره در آمد. در میان چند تن از نویسندگان هندی از جمله سیدامیر علی بانوشتن کتاب«روح اسلام» که درسال ۱۸۱۹م انتشار یافت، وجدان خفتهٔ سیاسی مسلمانان را بیدار کرد. جنبش سلفیه که از سوی شیخ محمدعبده در مصر به راه انداخته شد وبر اسلام معظم اتکا داشت دامنهٔ نفوذ آن بعداً به وسیلهٔ رشید رضا (۱۹۳۵م) که خود مفسر ومدیر مجلهٔ المنار بود از مراکش تا جاوه گسترش یافت. ومدرنیزم غرب را در چوکات قرآن وسنت نبوی خواستار گردید. افراطی ترین شکل این نظریه را ترکیه ، پس از برانداختن خلافت عثمانی در سال ۱۹۲۴م به کار برده است. هرچند مسألهٔ جدایی دین از دولت در دیگر کشورهای اسلامی نیز طرفدارانی دارد، اکثریت متجددان ونوگرایان در مورد تشکیلات مذهبی وسنت های مربوط بدان نظری بسیار ملایمتر دارند. واین چالش جدیدی است که دنیای اسلام به آن مواجه است. تاریخ اسلام در سده های نزدهم وبیستم(سیزدهم وچهاردهم هجری) عبارت است از تاریخ تجدید حیات ونیز بذل مساعی در سازگاری وانطباق مجدد اسلام بامقتضیات زمان و در پدید آمدن این دو عامل، دوانگیزه مؤثر بوده است؛ نخست مبارزه جویی مربوط به داخل جهان اسلام، دو دیگر هجوم خطرات خارجی. اما تأکید بر اسلام به منزلهٔ یک قدرت تمدن بخش، در حقیقت تأکید بر فروشکوه بغداد وقرطبه است، تأکید بر پیشرفت علم ودانش، و سامح مذهبی... وغیره است. حتا امروز مسلمانانی که دارای تحصیلات عالی اند، اعتقاد راسخ دارند که احیای علم و دانش در عصر رنسانس در اروپا انگیزه یی داشت که عبارت بوده از فرهنگ اسلامی ومهارت های عقلانی وفکری وفنی که پژوهندگان اروپایی از اسلام به وام گرفتند.

شیخ محمدعبده به پیروان خود دستور أکید می دهد که اسلام باید درست درک شود واجرا گردد واسلام مخالف باهرگونه کهنه پرستی مذهبی است ولازم می شمارد که پیروانش تمام شاخه های علم ودانش را بانهایت جد وجهد دنبال کند، این پاسخی است تند به کسانی که در قرون وسطی کسب دانش دنیایی را خوار می شمردند ومعتقد بودند که مدارس اسلامی باید فکر وذکر خود را متوجه الهیات وبررسی ادبیات نماید.

نوگرایان، مجوز شرعی نظریهٔ خود را در دلائل عدیدهٔ قرآنی می جویند، در پندها واندرزهایی که موضوع آنها لزوم غور و تحقیق در«آیات» خدا در جهان مادی است، در سخنان منسوب به پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم مانند: «اطلبوا العلم ولو کان بالصین» دانش بجویید هرچند در چین باشد. ومقولهٔ «مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء» رنگ قلم دانشمندان برتر از خون شهدا است.

حرف دقیق تر این که باتحویل گرفتن علم و دانش جدید غربی مسلمانان فقط میراث فرهنگی خود را پس می گیرند. این دلیل را بیش از همه اقبال لاهوری در آغاز قرن بیستم به نحوی قانع کننده بیان کرده است. و درمیان کسانی که تعالیم واصول عقائد اسلامی را در قالب قواعد جدید ریخته اند، شرح وتفسیر او جامع تر از دیگران است. برخلاف نخستین نوگرایان وتجدد خواهان مذهبی، اصول اسلامی علم کلام والهیات اقبال از تصوف سرچشمه می گیرد که وی برحسب نظریهٔ«انسان برتر» نیچه

> **سید جمال الدین افغان تکنالوژی معاصر را بازبان های ملی می خواست، به گونه یی که هویت ملی وساختار فرهنگی ما را خدشه دار نسازد.**

ونظریهٔ«تحول خلاقهٔ برگسون» به تجدید تفسیر آنها می پردازد.

ختم جنگ جهانی دوم مولود یک سلسله تغییرات در کشورهای اسلامی است، حذف سلطان حمید در آغاز قرن بیست، صاعقه یی بالای امپراطوری عثمانی به وجود آورد که تأثیرات آن همین اکنون در کشور ترکیه وسایر کشورهای اسلامی دیده می شود، کشور ترکیه که وارث امپراطوری عثمانی است، به جرگهٔ کشورهای پیمان ناتو یا اتلانتیک شمالی پیوست وبا جان و دل بر دموکراسی شیوهٔ غربی وجدایی دین از دولت وامور زندگی شعار داد وبدان دکترین پیوست. طوری که می بینیم در این کشور بزرگترین تمایلات سیاسی اسلامی وجود دارد که حزب رفاه توانست انتخابات عمومی را به نفع خود تغییر دهد واین حزب اسلامی برکرسی صدارت بنشیند، آنچه در این جا نزد غرب اهمیت دارد وآن را دموکراسی می خوانند که اقمار آنها انتخابات را کمایی کنند، در غیر آن غرب وامریکا به هر وسیلهٔ ممکن آن را مخالف دموکراسی دانسته وبرضد آن عمل می کند، طوری که سرکوبی احزاب اسلامی در سودان، اندونیزیا، مالیزیا والجزیره در اذهان جهان تاهنوز زنده است. طوری که دیده می شود در این کشورها از طریق انتخابات و آرای مردم این احزاب به قدرت می رسیدند نه به شیوه هایی دیگر. کشور بزرگ اندونیزیا در سال ۱۹۵۰ به سازمان ملل پیوست وبه تعقیب آن دموکراسی وانتخابات را تجربه کرد. انتخابات پارلمانی در این کشور در سال۱۹۵۵م به راه انداخته شد که بیش از۹۱٪ مردم در آن حصه گرفتند، جنبش مشروطیت در ایران بعد از قتل ناصر الدین شاه(۱۳۱۳) سرآغاز نهضت دموکراسی در این کشور است.

بعد از تحول اسلامی در کشور ایران، رهبران دولتی وپارلمان از طریق انتخابات در این کشور روی صحنه آمدند. کشور مصر تجربهٔ خوبی از انتخابات را در خود پرورانده است در سال ۱۹۵۲ بایک حرکت مسالمت آمیز نظام سلطنتی از این کشور برچیده شد وسیستم جمهوری و به تعقیب آن انتخابات در این کشور عملی گردید. همچنان انتخابات در کشور پاکستان وجود داشته است، اما هربار یک حکومت منتخب را یک کودتای نظامی از میان برداشته است. طوری که بعد از یک دوره حکومت نظامی در سال ۱۹۶۴م در این کشور

ص۷

من از دورهٔ مؤقت تاکنون در بارهٔ کارهای حکومت آقای کرزی ...

اصرار نداریم که همهٔ اهداف را حتماً توسط اعضای جمعیت عملی نماییم.

مجاهد: گفته می شود در این ائتلاف برای شما پست ریاست پارلمان تعلق گرفته است، آیا این درست است؟

استاد: عضویت در پارلمان وانتخاب رئیس پارلمان حق و وظیفهٔ مردم ونمایندگان منتخب است، این حق را هیچ کس از مردم ونمایندگان آنان سلب کرده نمی تواند، نه مسؤولین امروزی نظام ونه هیچ گروه وائتلافی حق دارد پیش از تشکیل پارلمان ریاست آن را به کسی ببخشد، اولاً اعضای پارلمان انتخاب می گردند وبعداً اعضای آن رئیس خویش را انتخاب می کنند، در شرایط فعلی این حرف ها از سطح شایعه ورغبت های این وآن بالاتر نیست، وکاندیداهای ریاست جمهوری قبل از انتخاب شدن آنچه را می توانند انجام دهند تنها به ارتباط درج نمودن نام معاونین خود است که همزمان با اعلان کاندیداتوری ریاست جمهوری معاونین آن نیز اعلان می شوند وتعیین وانتخاب قطعی رئیس ومعاونین او بازهم در صورتی که انتخابات شفاف باشد مربوط به مردم است.

یک مطلب دیگر را که می خواهم به آن اشاره نمایم این است که ما می خواهیم باهر طرفی که همکاری نماییم این همکاری به جای یک جریان ائتلافی عنوان یک تیم را داشته باشد که در همه قضایا یک جا باهم کار نمایند.

مجاهد: شما پیوسته اشاراتی داشته اید که گویا آقای کرزی به تعهداتش پس از لویه جرگهٔ اضطراری عمل نکرده است، چگونه باری دیگر ایشان اعتماد شما را کسب کرده است؟

استاد: طبیعتاً عمل نکردن به تعهدات، زمامدار را بی اعتبار ونظام ها را متزلزل می سازد، در گذشته شکی نیست شاهد شکستن قول وقرارهایی بوده ایم این بار هر فیصله وتعهدی صورت بگیرد باید در میان یک جمع بزرگتر بوده باشد وعمل نکردن به فیصله ها بی تردید عواقب خوبی نخواهد داشت.

مجاهد: اساساً شما در این مرحله چه می خواهید وخطوط اساسی استراتژی جمعیت را چه چیزهایی می سازد؟

استاد: در این شرایط مهم از تاریخ حیات سیاسی واجتماعی مان اهداف جمعیت در ابعاد مختلف ارزشی، ملی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی درمسائل ذیل خلاصه می گردد:

حفظ و استحکام اصول ومبانی ارزش های اسلامی، توجه به تربیت ورشد نسل جوان که گران بها ترین سرمایهٔ ملی ما است، مبارزه با مفاسد اخلاقی وجلوگیری از پخش واشاعهٔ فرهنگ های دین ستیز وهویت برانداز، حفظ وادامهٔ راه جهاد ومقاومت، توجه به حماسه آفرینان تاریخ معاصر کشور وبه خصوص به سرنوشت اجتماعی واقتصادی خانواده های شهدا ومعلولین، جذب وجلب فرزندان جهادگر صالح وفداکار میهن در ارگان های نظامی وامنیتی.

توجه به بهتر شدن وضع زندگی معلمین، استادان، فرهنگیان وکارمندان محروم کشور، توجه به وضع متقاعدین ومأمورین اضافهٔ بست وایجاد زمینه های شغل، توجه به وضعیت زنان، اسکان وجابه جایی هم وطنان آواره ومهاجر که به آغوش مادر وطن عودت می نمایند.

سعی وتلاش در استحکام وحدت وهمبستگی ملی برمبنای عدالت اجتماعی، تأکید براصل استقلال حاکمیت ملی وتمامیت ارضی، تأکید برحفظ هویت تاریخی وارزش های فرهنگی.

توجه در جهت رشد اقتصاد ملی، استفاده از ذخایر ومنابع طبیعی کشور، توجه به اولویت بخشیدن به پلان های زیر بنایی در راه رشد وتوسعهٔ اقتصادی.

توجه بازسازی متوازن در سطح کشور.

تأکید براصل شفافیت در امر کمک های بین المللی ونحوهٔ استفادهٔ مفید از آن ها، مبارزه بافساد اداری واقدام جدی به اصلاحات اساسی در مرکز و ولایات، مبارزه با استعمال، تجارت وقاچاق همه انواع مواد مخدر چه داخلی وچه وارداتی.

توجه جدی به امر تأمین امنیت سرتاسری وثبات سیاسی در کشور.

توجه به رشد وتوسعهٔ کمی وکیفی مراکز تعلیمی وتربیتی، مبارزهٔ جدی علیه بی سوادی توجه به رشد مراکز تعلیمات دینی در کشور.

تأکید براستحکام ورشد روابط باهمه کشورهای دوست وهمسایگان افغانستان، استفادهٔ مثبت از حضور جامعهٔ جهانی در افغانستان در امر امنیت وثبات سیاسی وبازسازی وایجاد مؤسسات ونهاد های دولتی مخصوصاً اردو وپلیس ملی.

تأکید جدی بر رفع بحران بی اعتمادی وایجاد فضای اعتماد مبتنی برحق وعدالت.

تأکید برمشارکت در نظام برمبنای اهلیت وشایستگی، رعایت اقوام واحزاب مؤثر وجلوگیری از انحصار گرائی وبه انزوا قرار دادن افراد وگروه ها.

مجاهد: جمعیت با آن که نیرومند ترین سازمان سیاسی افغانستان شناخته می شود، چرا متناسب با شرایط و اوضاع کنونی به سازماندهی خود نپرداخته است؟

استاد: ما برای سازماندهی مجدد جمعیت از مدتی می شود مشغول یک سلسله بحث وتبادل نظرها هستیم، برای سامان دادن به کارهای جمعیت وسازماندهی اعضای آن برنامه هایی جدیی روی دست داریم که عن قریب در طی یک اجتماع آن را اعلام خواهیم داشت.

به بهانهٔ روز معلم

آموزگار مردمک چشم جامعه

علی کوهستانی

انسان موجودی است که فطرتاً طالب کمال معنوی و در پی کسب فهم است.

والدین ابتدایی ترین زمینه های این نیازمندی معنوی انسان را در محیط خانواده فراهم می آورند، اما در بیرون از محیط خانه سیمای پر جاذبه واحترام برانگیز معلم است که خود را می نمایاند ودست کودک را می گیرد تا چشم او را برجهانی بگشاید که هزاران راز ورمز دارد وپر از چون وچراست.

هرچند پدرو مادر نقش تربیتی واصلاحی بزرگی برعهده دارند. اما معلم است که شخصیت علمی واجتماعی انسان را پرورش می دهد. معلم است که شاگرد خود را به اسرار ورموز عالم هستی آشنا می کند و پرده های وهم را از برابر دیدگان او پس می زند و او را از روی زمین تا ژرفای دریاها واوقیانوس ها می برد وراه تاریک ترین دخمه های نامکشوف در دل زمین را به او باز می گوید

پس بی همت معلم وبی شب زنده داری های وی، چه کسی یارای آن خواهد یافت که بداند پس پردهٔ این دیبای رنگین وملکوتی وپهناور آسمان که فراز سر آدمی جلوه هایی به هزار رنگ دارد وشبش حیرت افزا تر از روز است ابدیتی بی سرانجام است وپایانی ندارد.

ما با اندک دقت وتأمل در زندگی پرمشغله وافتادن ها وبرخاستن های روز مرهٔ خویش، به سادگی در می یابیم که هرکجا عظمت است وشگفتی های دست انسان است،

هرچند پدرو مادر نقش تربیتی واصلاحی بزرگی برعهده دارند. اما معلم است که شخصیت علمی واجتماعی انسان را پرورش می دهد

هرکجا طبیعت خدا داد به رنگ دیگر وسیمای دیگری نمودار است، محصول دست بشر است وآن بی گمان ثمر درس های معلم است.

دانش برپهنای امروزین بشری بی شک میوه های گوناگون باغستان تعلیم وتربیت است و از معلم است واز دانش معلم است که انسان در حصار دیوارها وقله های صعب العبور جهالت ونادانی اسیر نیست واشرف عالم است وچون نگینی برتارک هستی می درخشد.

از همین رو باتوجه به اهمیت کار معلم ونقش آموزگار در تربیت وهدایت نسل انسان، آئین اسلام، بوسیدن دست استاد را برای شاگرد رخصت داده است ورعایت حال استاد ورعایت واحترام او را یکی از وجایب مهم مسلمان قرار داده است.

وقتی ملاحظه می کنیم که حضرت خداوند جل جلاله خود به قلم وسطوری که می نویسد سوگند یاد کرده است، پس معلوم است که جایگاه استاد و آموزگار که ما را قلم بردست می گذارد ونوشتن وخواندن می آموزد تاکجا است .

وقتی دین نجات بخش اسلام، مسلمانان را به مقدار ومرتبهٔ خون شهیدان توجه می دهد وآنگاه رنگ قلم نویسنده را در جایگاه والاتر از خون شهدا قرار می دهد، پرواضح است که این به معنای حرمت گذاشتن وقدر داشتن معلم نیز هست. علم را فقط از معلم می توان آموخت، مگر این که مدارج آموزندگی ورشد دانش وکمال سن وفراوانی آگاهی ما را از این استفاده معاف قرار داده باشد. ولی باوجود این جایگاه آموزگار همان است که هست وتنزلی نمی پذیرد.

پس همه باهم بی هیچ تردیدی باید به این حقیقت روبیاوریم ودست به دست هم دهیم تاشرایط وزمینه ها طوری دگر گون شود که هر مدیری وهرصاحب کاری وهرکارداری از معلم اطاعت کند وعلم معلم را خوار و بی مقدار نگرداند وباوجود علم ودانشی که از معلم آموخته است توسن نفس اماره را به دست غرایز سرکش نگذارد ودین را در پای متاع دنیا خوار نکند.

از معلم است واز دانش معلم است که انسان در حصار دیوارها وقله های صعب العبور جهالت ونادانی اسیر نیست واشرف عالم است وچون نگینی برتارک هستی می درخشد

این گفته بیشتر به این دلیل موجه می نماید که می بینیم، هرکجا در عالم انسانی ضعف است وسقوط است وحراج ارزش ها، بی گمان به این سبب است که آنجا دستورات وآگاهی ها وآموزه های استادان وآموزگاران به فراموشی سپرده شده وکتاب ها را بر رواق ها تلی از خاک در بر گرفته ومقام معلم در نظرها تنزل یافته ومشتی جهالت پیشگان، در تابعیت از هواهای نفسانی وشیطانی برمرکب امیال پست مادی سوارند وبی گمان در چنین اوضاع واحوالی علم خوار است، معلم خوار است وحقایق در پرده یی تیره وغبار آلود اغراض ومقاصد شوم پنهان ساخته می شود وسعی مستدام بر آن است تاسلسلهٔ غفلت وبی خبری درمیان مردم را بیشتر وضخیم تر کند واین روال جاهلانه را برخلاف حق وعدالت تداوم بیشتر بخشد.

پس در چنین اوضاع اسفبار چه می توان کرد: پاسخ این است که نخست معلم را از فقر واحتیاج باید نجات بخشید؛ تامعلم از احتیاج وعذاب تنگ دستی نرهد هرگزمجال سالم برای تربیت نسل دانشجو را نخواهد یافت. براولیای امور است تا آموزگاران را از این حال زار برهانند وبعد از این پرداخت مادی مناسب، نخبگان و بهترین ها را وآنها را که اهل کار طاقت فرسا وسرنوشت ساز معلمی اند، به مدیریت وکارگردانی مدارس ودانشگاه ها بگمارند و در این ضمن آن عده را که دست تصادف وسیلاب حادثه به مدرسه ومکتب کشانده وخود کفایت واهلیت لازم معلمی را ندارند، به کارهایی دیگر توظیف کنند، تا دانشجو فراری علم ودانش نباشد وجاذبه های معنوی کسب دانش هر روز فزون تر گردد ومهمتر این که: بگذارند مدیریت در تمام حوزه های دانشی انتخابی باشد وشاگردان نیز اهل رأی باشند در این انتخاب، واولیای امور در این زمینه فقط نقش ناظم وحمایت کننده را داشته باشند وبس.

به امید روزی که در واقع علم برجهل پیروز باشد وعقل وخرد بر محیط های دانشی حکمروایی کند.

افزون بر بیست سال پیش از امروز، شادروان نادرنادر پور دریکی از برنامه های رادیو بی بی سی مقاله یی زیر عنوان "هفت قله ء شعر فارسی" داشت که در آن به شخصیت های بلند مرتبهٔ شعر فارسی اشاراتی رفته بود. یادم هست که نادر نادر پور د ر آن مقاله اش از حافظ ، مولانا، سعدی فردوسی و نظامی گنجوی و... به عنوان قله های بلند شعر فارسی یاد کرده بود. این یاد کرد آن بزرگوار به گزا فه نبودو امروز کسی را در اقلیم ادب فارسی و حتی در جهان سراغ نداریم که به این سخن باور نداشته باشد.

راز ماندگاری شعر حافظ

اسحاق فایز

حافظ یکی از این بزرگواران است که شعرش با ویژه گی های خاص خودش هردم بردلها چنگ میزند و در هرزمانه یی تا اکنون شعر برتر بوده است، چنان که از عوام تا خواص به خواندن و به حافظه سپردنش رغبت داشته اند .

برای دریافت معراج و برتری مقام حافظ ،همین کافی است که بگوییم در سراسر قلمرو ادب فارسی کمتر خانه یی است که در آن دیوان حافظ نباشد و دختران و پسرا ن پس از آموزش قرآن مجید، به فراگیری آن کمر همت نبندند.

حالا که از قول نادر نادر پور گفته آمدیم که حافظ از قله های بلند شعر فارسی است، در پی آنیم که در یابیم راز این بلندی و معراج در چیست و چرا حافظ در هر زمانه یی شاعر برتر است و شعرش کهنه نمی شود .

تا آن جا که به این حقیر معلوم است به این خصوصیت شعر، فرا زمانه یی می گویند، به این معنی که شعر حافظ از جهت زبان ، تعابیر ، تصاویر و برداشتهای اجتماعی اش تا اندازهٔ زیادی به درد زمانه ها می خورد و از همین جهت است که در هر عصری تا اکنون یگانه و بی همتا بوده است .

آنان که در کنار ساحل های امن نشسته و لمیده اند چه دانند که دریا زدگان را چه احوالی است :

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل
کجا دانند حال ما، سبک باران سا حل ها

در جایی دیگر می گوید:

زعشق نا تمام ما، جمال یار مستغنی است
به آب و رنگ و خا ل و خط، چه حاجت روی زیبا را
نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند
جوانا ن سعادت مند ، پند پیر دانا را

و یا در این بیت:

عقل اگر داند که دل در بند زلفش چون خوش است
عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما

چه عنصری در این ابیات ژرف و زیبا است که ما اکنون نتوانیم از آن لذت ببریم و چه تعبیر و تصویر ی در این ابیات می بینید که در نزد تان کهنه و نادل پسند است و نامأنوس؟

آنچه را من می توانم به عنوان پاسخ به این سوال ارائه کنم این است که حالا قرن ها بعد از خاموشی چراغ حیات حضرت حافظ، هنوز این ابیات روح عصر مارا دارند و کهنه نمی نمایند.

امروزه هرآن گاهی که بزرگان نیازی به نصیحت کهتران داشته باشند، از شعر های پند آمیز و عبرت ناک شاعران بزرگ چون حافظ ، سعدی مولانا و... سود می برند و این خود دال براین است که کلام این بزرگان آراسته و پیراسته و نغز و دلنشین است و از نکات مهم حکمت آمیز سرشار .

خیال روی تو در هر طریق همرهٔ ماست
نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست
اگر به زلف درازی تو دست ما نرسد
گناه بخت پریشان و دست کوته ماست

به این بیت دیگر توجه کنید :

ما باده می خوریم و حریفان غمِ جهان
روزی به قدر همت هرکس میسر است

از مواصفات خوب غزلیات حافظ یکی هم این است که حافظ هیچکاه لب به کذب و دروغ نمی کشاید و در شعرش با منطق و استدلال وارد می شود که خواننده را در همان برخورد ا ولی مجا ب می کند و از همین روی است که خواننده را با اشتیاق تمام به خود جذب می کند و این راز جادویی شعر حافظ است. امروزه می گویند که شعر طبیعت و دنیایی است که شاعر با قدرت تخیل و شعورش می آفریندو معلم است که این تصویر و تصور نمی تواند جدا از زندگی ما آدم ها باشد. حافظ درست به همین مسأله پرداخته است و از همین منظر به دنیا و محیط و زنده گی می دید و آن را هرآنچه بود در کلامش بازتاب می داد:

همان گونه که در بالا گفته آمدم ، یکی از برازندگی های حافظ پرداختن به مسایل مهم و داغ روزگارش بود و او در این کار نیز از سر آمدان روزگارش بوده است . گریز از زاهدان ریایی، صوفیان دغل کار و طاعت گران کاذب که سر به سجده دارند و لی دلشان با خدا ی شان نیست و تذویر می کنند، در بسیار جاها در دیوان حافظ آمده است که چهره های چنین زاهدان را برملا نموده و آنان را به خلق الله نشان داده است :

برو زاهدا خرده بر ما مگیر
که کاری خدایی نه کاری ست خورد

ویا :

صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد

ویا :

حافظ مکن ملامت رندان که در ازل
ما را خدا ز زهد و ریا بی نیاز کرد

ویا :

حدیث عشق زحافظ شنو نه ا ز واعظ
اگرچه صنعت بسیار در عبارت کرد

وباز جای دیگر :

چه جای صحبت نامحرم است مجلس انس
سر پیاله بپوشان که خرقه پوش آمد
زخانقاه به میخانه میرود حافظ
مگر زمستی زهد و ریا به هوش آمد

شعر حافظ از لحاظ داشتن نکات سودمند و آموزنده، بی نظیر است . این صفت شعر حافظ موجب شده است که در هر زمانه یی مردم به حافظ دل بندند ، حافظ بخوانند و کیف کنند:

تو بنده گی چو گدایان به شرط مزد مکن
که قدر خواجه خود روش بنده پروری داند
سواد نقطهٔ بینش زخال تو ست مرا
که گوهر یک دانه گوهری داند
وفا و مهر نکو باشد ار بیاموزی
وگرنه هرکه تو بینی ستمگری داند

باری شعر حافظ گفتیم کهنه نمی شود ،، زیرا که حافظ آن چنان درگرماگرم عشق و شور و نشاط غرق است که صدبار با می سجاده رنگین می کند و صد بار دیگر زنار می بندد ولی در هر بار با راستی و نه از در ریا و سالوس.

در میان دواوین شعرای معاصر و متقدم فارسی گوی ، کمتر دیوانی یافت می شود که چون حافظ ده ها بار با تیراژ های بلند اقبال چاپ یافته باشد .

دیوان حافظ مشحون از کلمات نوید دهنده و بشارت دهنده است و از همین روی است که جوانان و پیران، هر از گاهی با آن فال می گیرند و باور دارند که لسان الغیب بر روی شان در مطلوب می نمایاند.

عاشقان در غزلیات حافظ، آن تجلی رخ معشوق می بینندو پیران ناتوان در آن تجلی رخ حق، آن معشوق یگانه را که در پنج گاه سر بر آستانش می سایند و نیمه شبان در طلبش تضرع ونیایش پیشه می کنند.

نوعی نیاز زمانه در شعر حافظ موج می زند و این نیاز از هر دری و از هر کسی به درگاه معشوق زمینی و آسمانی ره می گشاید . گمراهان و سیه دلان با خواندن حافظ روشن می شوند و لا اقل اگر بر راه نیایند بر مواضع جاهلانه نیز نمی مانند. اگر قصد تان طلب است و طلب تان معشوق، پس این نیاز را حافظ می نمایاندولی به شرط آن که زحمتی را بر خویشتن بقبولانید.

آری راز جاودانگی حافظ ، توجه به راستی و حقیقت است و در ک کنه واقعیت زند گی و دست رد زدن بر آن چه بدی و زشتی ست.

حافظ برای جوان جوان می اندیشد و برای پیران، با پیرانه سری سخن می گویدو در هر حالت، ریا ، کذب و دروغ و سالوس را نفی و نکوهش می کند . زبان حافظ در عصرش زبان مردم بوده است و اینک قرنها بعد از حافظ هنوز زبان مردم است و مردم در آن تجلی امید ها و آرزوهای جوانی و پیری خودرا می بینندو این است آن رازی که در آغاز آن را عنوان کردیم :

مکن زغصه شکایت که در طریق طلب
به راحتی نرسید آن که زحمتی نکشید
به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم
که گم شد آن که در این ره به رهبر ی نرسید

خوی

خوشحال ختک

چي خپل خوي شي په جهان بدخواه دچا
دخپل خوي دي، نه چي دي تباه دچا
من فليل په يوه مچ سره بدبوي شي
بد دي نشي يو زمان همراه دچا
کاني لعل دبدخشان، ګيا کيميا ده
چي ئي نه پيژني تې ګناه دچا
چي بادشاه يي ستمګرشي خلك خوارشي
خداي دي نه کا ستمګر بادشاه دچا
زه که سل ځله وفا کړم يار جفا کا
بحت دي نه شي په دنيا سياه دچا
دجمشيد او دسکندر فلك پري نبنوي
پري به نړدي تل په سر کلاه دچا
چي کرم نه وي له خدايه فتح نه شته
که افزون شي ترملخ سپاه دچا

وزیر صاحب نیویارک ته والوت

ش ـ زیارمل

زه یو سرګردانه خبریال یم، دنده مې له یوبل سره مرکې او مصاحبې، د رپوټونو او خبرونو برابرول او بیا دخپلې ورځپانې له لارې خلکو ته وړاندې کول دي، څلور ځله دجناب وزیر دفتر ته لاړم غوښتل مې چې دهغه د وزارت د اړوندو چارو په باب څه پوښتنې ایښتنې وکړم خو په لیدلوئي بریالي نشوم.

لومړي ځل دهغه ښکلي او نیازبیني سکرترۍ په داسې حال کې چې له خپلو ژولیو ژاولونه ئي په خوله کې پوکاني جوړولي او ماتولي راته په ځیر ځیر وکتل. زما ترڅنګ په راځړول شوي کمرۍ ئي چې سترګي ولګیدي نو پوه شوه چې خبریال یم ځوکې ته دکیښناستلو اجازه ئي راکړه او سملاسي ئي راته وویل وزیر صاحب خبریالان نه مني خو ما چې دخپلې پوزه معرفي نه وروسته بیا هم د وزیر صاحب دلیدلو هیله وکړه وي ویل: مهرباني وکړه بل وخت راشی. اوس زیات کار لري.

بله ورځ بیا ورغلم. په ریښتیا چې ډیره ښکلې وی ګلابي انګیو او تورو بادامي سترګوئي دهر چا زړه ته لاره کوله په داسې حال کې چې له خپلې بلې خور لنې سره ئي دکوم کیبلې فلم کیسه کوله زما په لیدوئي له لرې چوپتیا وروسته راته وویل: وبخښئ وزیر صاحب له بهرنیو سلاکارانو سره مجلس لري لطفاً کوم بل وخت راشئ!

دریمه ورځ بیا چې دجناب وزیر دفتر ته ورغلم، دسلام له اچولو وروسته راته هماغې ګلالۍ په مخامخ کوچ کې دکښیناستلو اجازه راکړې دچایو یوه پیاله ئي له روسي قند سره یو ځاي راته په مخ کې کیښودې ما هم په غلچکي نظر کله دهغې اناري شونډو او کله هم دهغې تورو بادامي سترګوته ځغلند شانته کتل او جناب وزیر ته مې د ورتګ له پاره دانتظار شیبې لنډولې. دیو څه ځنډ وروسته سکرتره لکه بغدادۍ کوتره د وزیر دفتر ته ننوته او چې بیرته راووته نو ماته ئي وویل نن هم ونشو تاسو بله ورځ راشئ.

څلورمه ورځ چې سکرتریت ته ننوتم نو ومې لیدل چې په چپ لاسې کې ئي کوچنۍ شانته ایینه او په ښي لاس کې ئي دسر دوېښتانو بورس نیولي و خپل اوږده عمبر بویه وېښتان ئي لومړۍ مخې او ورسته دشا لورې ته ږمنځ کړل او په خپل چوټي کې ئي د یو طلائي ګل له ایښودلو وروسته په خپلو ګلابي او نازکو شونډو دخپلو جامو همرنګ ارغواني لبسرین ووهل. زما په لورئي دسترګو په کونج کې وکتل، زه په دې فکر کې شوم چې البته له مانه پوښتنه کوي چې څنګه ښکارم؟ خو ژرئي له یو لنډې موسکا سره سم سترګي بلې خوا واړولې، یوځو تلفونو ته دځواب ورکولو وروسته ئي راته وویل: وبخښئ تاسو ډیر په تکلیف شوي، تاسو اوږد انتظار وویست وزیر صاحب همدا څو شیبې مخکې نیویارك ته والوت، هیله ده تا سو بله اوونۍ راشئ.

زه هم له خپل ځایه پورته شوم او خپلې ورځپانې ته مې له وزیر صاحب سره دمرکې پرځاي نیویارك ته دهغه د الوتنې خبر ورکړ.

محمد اعظم رهنورد زریاب

محمود طرزی
وفارسی ناب در افغانستان نود سال پیش ۲

بنابر گفتۀ استاد حبیبی، محمود طرزی-به غیر از مقالات چاپ شده در«سراج الأخبار افغانیه»- سی ویک کتاب ورسالۀ منثور ومنظوم به زبان دری تألیف یا ترجمه کرده است(۱).

مجموعۀ مقالات طرزی، چاپ شده در«سراج الأخبار افغانیه»-که به بیشتر از پنج صد مقاله می رسد- در سال۱۳۵۵ هجری خورشیدی، به کوشش دکتر روان فرهادی، در کابل به چاپ رسید.

پس از بر افتادن شاه امان الله در زمستان سال۱۳۰۷، وبرون رفتن او از کشور در بهار سال۱۳۰۸، محمود طرزی نیز همراه باخانواده اش کشور را ترک گفت. او نخست به ایران رفت وسپس راهی ترکیه شد. این تبعید دوم طرزی، چارسال به درازا کشید. او به روز سیُم ماه عقرب سال۱۳۱۲هجری خورشیدی، در اثر بیماری سرطان، به عمر شصت وهشت سالگی، چشم از جهان پوشید(۱۴). درست دوهفته پیش از این، محمدنادر شاه در کابل کشته شده بود.

آخرین اثر محمود طرزی، دفتر شعری است که«ژولیده وپژمرده» نام دارد. این دفتر شعر، پیش از مرگ او، در استانبول به چاپ رسیده بود(۱۵).

دفتر خاطرات طرزی که ناتمام مانده است، در اختیار دامادش- وحیدالله طرزی- قرار دارد و او در پی آنست که این دفتر خاطرات را به چاپ برساند(۱۶). این دفتر می تواند در شناخت بسیاری از آدم ها و رویدادهای عصر محمود طرزی روشنگر وسودمند افتد.

***

محمود طرزی، آغاز نامۀ شمارۀ نخست سال چارم«سراج الأخبار افغانیه»(ماه سنبله ۱۲۹۳) را به فارسی ناب نوشت. چنان که دیده می شود، جز نام ولقب امیر- سراج المله والدین امیر حبیب الله خان- در این نبشتۀ کوتاه، واژه گان ناب دری را به کار گرفته است و، حتا، نام«سراج الأخبار افغانیه» را«چراغ پیام های افغانی» ترجمه کرده است:

آغاز به نام ایزد بخشندۀ مهربان

سپاس وستایش بیرون از شمار، مر آفریدگاری را سزاست که خامۀ دو زبان را توانایی گویایی بخشید. درود بر روان پاک پیمبر برگزیده یی رواست که پیروان کیش خوب خود را، آموزشِ دانش بدمید. خاندان ویاران او را، دوستی وفروتنی به جاست، که کارهای پسندیدۀ هر کدام شان، رهبر بختیاری ونیکویی مایان گردید. سراج الملّه والدّین امیر حبیب الله خان را، خداوند زمین وآسمان، تاسال های درازی بر اورنگ جهانبانی شان پایدار وآرام دارد تا گروهِ پرشکوهِ افغان وخاک پاک افغانستان، به سایۀ دانش پروری ها ودادگستری های شان، برتری ها وبختیاری های بی اندازه را سزاوار گردد ومردمک دیدۀ روی زمین وزمینیان شود.

سپاس پروردگار بزرگ خود را، به چه زبانی به جای آورده خواهیم توانست که ما را توانایی داد تا سال سوم این نامۀ گرامی«چراغ پیام های افغانی» را به انجام رسانیده به سال چارمینش آغاز نمودیم. واین نیست مگر به سایۀ دانش پیرایۀ نکویی خواهِ فرخنده گی همراهِ بزرگ ما، در این سه سال، بسیار چیزها گفتیم ونوشتیم. آرزوی یگانۀ ناتوانانۀ ما، همین بود وهمین خواهد بود که در راه بیداری وآگاهی برادران هم زمین وهم آیین خود، یک کوششی به جا آورده باشیم. امید است که یک کَمَکِی برین آرزوی خود کامیاب هم باشیم. با این هم، از ناتوانی وزبونی خامۀ شکسته گی چغانه، در این نامۀ یاری ترانه، همواره کوتهی ورزیده ایم وچنانچه شاید وباید نه نوشته(یی) نگاشتیم ونه گفته(یی) گفتیم.

از درگاه ایزدِ دانای بینای توانا، امیدوار آمرزش واز خواننده گانِ فرهنگ منش، آرزومند پوزش می باشیم(۱۷).

***

اگر کارنامه های محمود طرزی- در عرصۀ فرهنگ وادبیّات- پی گرفته می شدند، واگر زمینه برای چنیی پی گیری هایی آماده می بود، می شود حدس زد که امروز فرهنگ وادبیّات ما وضعیّت بهتری می داشت.

رویکردها:

۱۲- «مقالات محمود طرزی در سراج الأخبار»، به کوشش دکتور روان فرهادی، کابل:۱۳۵۵،(به نقل از حبیبی).

بااین همه، از زبانِ عبدالهادی داوی- که محمود طرزی را از نزدیک می شناخت- روایت شده است که«گرچه محمود طرزی سمت شاگردی سیدجمال الدین افغانی را داشت، ولی در مورد سیدجمال الدین نظر نیک ومساعد نداشت.» (برای تفصیل دیده شود: پوهاند سیدسعید الدین هاشمی،«جنبش مشروطه خواهی در افغانستان»، شورای فرهنگی افغانستان، استاکهولم، چاپ دوم باتجدید نظر کامل،۱۳۸۰، ص ص ۵۸-۶۰

۱۳- حبیبی، ص ص۱۱۰-۱۱۱.

۱۴- امین طرزی، فصلنامۀ «روشنی» کانون روشنگران A.U.Oافغانستان، بهار۱۳۷۹، شهرگوتن گن، آلمان.

۱۵- همان جا.

۱۶- همانی جا

۱۷- به نقل از«مقالات محمود طرزی در سراج الأخبار»، ص ص ۷۱۹-۷۲۰.

روز معلم باشکوه ویژه...

عزیز ممکن نیست. خوشبختانه دیده می شود که مردم، حکومت وجامعۀ جهانی این حقیقت را درک کرده و در رشد معارف سعی می نمایند.

ما در سال پار برای معلمان مدد معاش تعیین نمودیم وامسال همان مددمعاش را جزء معاش اصلی شان ساختیم واخیراً تصمیم گرفته ایم که برای معلمان خود در سراسر کشور، معاش منطقه یی تعیین نماییم تا معلمان در ولسوالی ها وقرای وقصبات کشور بتوانند از معاش خود، برای فامیل خود زندگی بهتر ساخته وبیشتر مصدر خدمت گردند.

سپس محمدیونس قانونی وزیر معارف کشور در مورد صحبت نموده گفت: تعلیم وتربیه، امروز در صدر برنامه های دولت قرار گرفته وجزء اولویت های اساسی دولت را می سازد.

اگر ما بخواهیم که شاگردان موجود را نه مطابق نورم های ستندرد تعلیم وتربیه، بلکه مطابق راه حل مؤقت تعلیم وتربیه در افغانستان تربیه نماییم به سی هزار معلم نیاز داریم. معلمان ما به دو مشکل اساسی مواجه اند، اول وضع رقت بار معیشتی آنها، که از سال های متمادی به این سو جهت حل این مشکل چاره یی سنجیده نشده است.

و دوم سویۀ تحصیلی پائین ومهارت های مسلکی ناکافی که متأسفانه نظر به دلایل متعددی نتوانستیم زمینۀ تحصیلات عالی را برای آنها مساعد نماییم و در حدود دوازده فیصد از معلمان کشور از سویۀ زیر صنف دوازده برخوردارند.

در قسمتی از برنامه امیرمحمد اسماعیل خان والی ولایت هرات راجع به روز خجستۀ معلم ومقام معلم صحبت نموده واز اجراآتی که در عرصۀ تعلیم وتربیه در ولایت هرات صورت گرفته یاد آور شد وهم چنان علاوه نمود:

«بازسازی را می توان به دو دستۀ مادی ومعنوی تقسیم کرد. اما ضرورت به بازسازی معنوی بیشتر است که هرگاه در راستای بازسازی معنوی پیش رفت صورت گیرد، ضامن بقای بازسازی مادی می شود وسطح بازسازی مادی را بلند می برد. تقاضای ما از دولت این است تا در بازسازی معنوی کشور بیشتر توجه نماید.

امیر اسماعیل خان در خطاب به معلمان گفت:

«اگر شما معلمان، شاگردانی لایق به جامعه تقدیم نمایید بدون شک، در معنویت این سرزمین حصه گرفته اید.»

در این محفل برای سه تن از معلمان کشور هریک قریبا معلم ممتاز، نسرین معلم اعلی وعبدالرحمن معلم عالی، که قبلاً از طریق سپری نمودن امتحان، حایز مقام های مذکور گردیده بودند یک، یک پایه کمپیوتر که از طرف شرکت الکوزی کمک شده بود، توسط رئیس دولت، استاد شهرانی معاون ریاست دولت ومحمد یونس قانونی وزیر معارف کشور به ایشان تفویض گردید.

همچنان برای یک صد نفر از معلمان ممتاز سراسر افغانستان تحایفی از طرف وزارت معارف توزیع گردید ونیز برای مخمد عمر، شاگرد مکتب افغان ترک که در مسابقۀ بین المللی علوم کمپیوتر که میان سی وپنج کشورجهان در ترکمنستان برگزار شده بود. برندۀ مدال طلا شناخته شده بود، مدال معارف داده شد.

همچنان به خاطر خدمات شایسته در عرصۀ معارف به امیر محمداسماعیل خان والی هرات، گل آقا شیرزوی والی پیشین قندهار ستر جنرال عطامحمد فوماندان قول اردوی نمبر هفت، از طرف حامد کرزی، مدال های معارف توزیع شد.

گزارشگر: ملکیار

افغانستان د نړيوالي ټولني . . .

چي يو وخت ئي ښه كار وركاوه خو بر عكس افغانستان د پنځه ويشتو كلونو جګړو په موده كي رنګ شوي دي او ولس ئي هم دومره با سواده او تعليم يافته نه دي او داسي كومي دولتي اداري او موسسات هم نه لري چي د استفادي وړ وي خو له دي توپير سره سره دواړه ملكونه په سياسي اعتبار عين شان ورته والى لري كه د ملګرو ملتو فعاليت ته وكتل شي نو دا پوښتنه راپورته كيږي چي ايا واقعا په افغانستان كي د ملګرو ملتو ماموريت بريالى و او كه نه؟

ورځپانه ليكي: د ابادى په كارونو كي هم ملګري ملتونه ناكام شوي دي ځكه د طالبانو د زوال نه وروسته دافغانستان ولس داسي لوړي هيلي درلودي چي ملك به ئي اوس حتماً آباد او سمسوريږي خو اوس خلك ډير مايوسه ښكاري وي د ښارونو نه بهر هيڅ په سترګو نه ګوري كار او روز ګارنشته او كافي مرستي هم ورته نه رسيږي او د پخوا په شان د خلكو ژوند له كړاوونو او ستونزو څخه ډك دي او په عين حال كي په خپلو سترګو ګوري چي په غټو ښارونو كي ډلي ډلي د ملګرو ملتو ماموران او كاركوونكي په لوكسو او قيمتي ګاډو او موټرو كي چكري وهي او په دنګو دنګو مانيو كي د مزو ژوند تيروي.

جمعیت العلمای اسلام و انشعاب

وحید مژده

گروه منشعب از جمعیت العلمای پاکستان تحت قیادت مولانا محمد شعیب در سفری به افغانستان با مقامات دولتی ملاقات هایی داشتند. آنها یکی از موارد اختلاف خود با رهبری سازمان شان را مسألهٔ افغانستان عنوان کردند. البته در این میان یک سوال در ذهن به وجود می آید که با اعلام مخالفت این افراد با رهبری جمعیت العلمای اسلام، می توان امیدوار بود که تحریکات بیرونی علیه افغانستان کاهش خواهد یافت؟ برای جواب به این سوال باید شناختی از جمعیت العلماء داشت.

هنگامی که در سال ۱۹۴۷ جمعیت العلمای پاکستان در این کشور نوتأسیس به وجود آمد، این گروه ادعای دخالت در امور سیاسی را نداشت بلکه یک حرکت مذهبی خالص و به عنوان شاخه یی از مدرسهٔ دیوبند بود.

بیست سال بعد مولانا غلام غوث هزاروی یکی از علمای نامدار آن روز پاکستان با طرح این مساله که هیچ سازمان اسلامی نمی تواند غیر سیاسی باشد، جمعیت العلمای اسلام را به عنوان یک حربهٔ سیاسی به کار گرفت و این گروه دچار انشعاب شد.

بعد ها هردو بخش جدا از هم به فعالیت سیاسی پرداختند. مولانا مفتی محمود با ائتلاف با حزب عوامی ملی

سازمان استخبارات نظامی پاکستان در آن مقطع از جمعیت العلمای اسلام و مدارس آن سازمان، در جهت بسیج و اعزام نیروهای رزمی به افغانستان به خوبی بهره گرفت و سرانجام طالبان بر بخش اعظمی از افغانستان مسلط شدند.

(نشنل عوامی پارتی) در صوبه سرحد به مقام وزارت اعلی نیز رسید و پسرش مولانا فضل الرحمن پس از فوت پدر جانشین وی شد و در تعارض با رژیم ضیاء الحق چند سال به زندان افتاد.

شاخه یی دیگر از جمعیت العلما تحت رهبری مولانا سمیع الحق در منطقهٔ اکوره ختک صوبه سرحد مدرسهٔ دینی بسیار بزرگی را اداره می کند که همه ساله صد ها عالم دینی از آن سند فراغت می گیرند.

در دوران جهاد، به علت درگیری سیاسی مولانا فضل الرحمن با دولت پاکستان، این سازمان نتوانست در وقایع آغاز دوران جهاد سهم مثبت داشته باشد. برعکس رهبران آن در ابتدا در برابر جهاد موقفی مبهم داشتند که بیشتر ناشی از مخالفت آنان با ضیاء الحق به عنوان حامی بزرگ جهاد افغانستان بود. زمانی که حزب و جمعیت در سال ۱۳۵۷ائتلاف کوتاه مدتی را تحت نام حرکت انقلاب اسلامی به رهبری مرحوم مولوی محمد نبی محمدی به وجود آوردند، فرصتی مناسب برای جمعیت العلمای اسلام به وجود آمد تا با سازمان های جهادی و جهاد افغانستان رابطه یی نزدیک برقرار نمایند زیرا مولوی محمد نبی در مدرسهٔ همین تنظیم درس خوانده بود. در سایر تنظیم ها نیز اشخاصی قدرت مند از تحصیل کرده های همین مدارس وجود داشتند چون مولوی خالص و مولوی جلال الدین حقانی و بسیاری دیگر. اما با شکست حرکت انقلاب اسلامی و جدا شدن مجدد حزب و جمعیت، مولانا مفتی محمود در بستر مریضی به مولوی محمد نبی محمدی توصیه کرد که حرکت انقلاب اسلامی را به عنوان یک تنظیم مستقل حفظ کند تا علمای افغانستان از خود دارای سازمان مستقل جهادی باشند.

در دوران جهاد هزاران طالب العلم افغان ازمدارس جمعیت العلمای اسلام فارغ التحصیل شدند که بیشتر از دو تنظیم حرکت انقلاب اسلامی و حزب اسلامی مولوی خالص بودند. این مدارس به زودی مبدل به حربهٔ سیاسی رهبران جمعیت العلمای اسلام برای نفوذ در افغانستان گردید که اختلاف سیاسی میان جماعت اسلامی و دیوبندی های جمعیت العلمای اسلام را به افغانستان انتقال دادند. این اختلاف با به میان آمدن تحریک طالبان به اوج خود رسید.

سازمان استخبارات نظامی پاکستان در آن مقطع از جمعیت العلمای اسلام و مدارس آن سازمان، در جهت بسیج و اعزام نیروهای رزمی به افغانستان به خوبی بهره گرفت و سرانجام طالبان بر بخش اعظمی از افغانستان مسلط شدند.

در دوران زمامداری طالبان، جمعیت العلمای اسلام از طالبان حمایت کامل داشت اما در مواردی که رهبران جمعیت العلما مجبور می شدند، از انتقاد غیر مستقیم بر طالبان نیز ابایی نداشتند و این انتقاد ها فقط به مواردی محدود بود که عملکرد های طالبان در امر حکومت و دیدگاه های جمعیت العلما در آن موارد، پای مقایسه به میان می آمد. یکبار وقتی از مولوی فضل الرحمن در مورد محدودیت هایی که طالبان در مورد تحصیل و کار زنان اعمال می کنند سوال شد او این اقدامات را ناشی از شرایط خاص افغانستان نه تعالیم اسلام خواند و گفت که ما در پاکستان طرفدار اعمال چنان محدودیت ها نیستیم.

مولانا شیرانی از رهبران این حزب در صوبهٔ بلوچستان این اقدامات طالبان را ناشی از طرز دید قبایلی آنان خواند.

پس از سقوط طالبان، دیدگاههای جمعیت العلمای اسلام در رابطه با جریانات افغانستان در پاکستان نیز مورد انتقاد قرار گرفت و سرانجام یک شاخه از این حزب از آن جدا شدند و خود را "آئینی گروپ" نامیدند.

یکی از موارد اختلاف این گروه انشعابی با رهبری جمعیت العلما، موضوع افغانستان بوده است اما افغانستان تنها مورد اختلاف نیست بلکه اختلاف در مسایل داخلی خود پاکستان نیز وجود دارد.

نباید گمان کرد که با انشعاب این گروه، جمعیت العلما دچار ضعف شده است. زیرا این گروه در حلقه یی کوچک از علما محدود است. در دوران کمونیست ها هم گروهی از صوبهٔ سرحد که خود را به جمعیت العلما منسوب می دانستند به کابل آمدند و با دولت کابل مذاکره کردند و از دولت

بهتر خواهد بود تا مذاکرات بعدی با گروههای مولانا فضل الرحمن و مولانا سمیع الحق صورت گیرد که نفوذ آنان بر طالبان بیشتر از دیگران است.

کابل خواستند تا برای پنجصد نفر از قبایل برای کار در کشور لیبیا ویزهٔ کار اخذ کنند که اسناد آن در وزارت خارجهٔ افغانستان موجود است. البته رژیم کابل در آن زمان به این خواست جواب رد داد.

سفر رهبر و اعضای "آئینی گروپ" به افغانستان هرچند کار نیک است اما ممکن است در میان دولت مردان افغانستان این تصور بی بنیاد را به میان آورد که مشکل را می توان به کمک همین افراد حل کرد و جمعیت العلمای پاکستان را از این طریق می توان تضعیف نمود. در حالی که چنین انتظاری کاملا به دور از حقیقت است.

بهتر خواهد بود تا مذاکرات بعدی با گروههای مولانا فضل الرحمن و مولانا سمیع الحق صورت گیرد که نفوذ آنان بر طالبان بیشتر از دیگران است.

از آنجایی که تفاهم و مذاکره بهترین راه برای حل مشکلات است، بهتر خواهد بود تا یک هیأت از علمای دینی افغانستان نیز به صورت رسمی سفری به پاکستان داشته باشند و با رهبران مذهبی پاکستان در فضای اخوت و برادری مذاکره نمایند تا سوء تفاهمات از میان برودو مشکلات حل گردد.

پامیر

په نړیوالو مطبوعاتي کي دافغانستان دحالاتو انعکاس

په بریتانیي کي خپریدونکي ورځپاڼه ګاردین دنړي له نورو مطبوعاتو سره هم غږي ښودلي او دپنجشنبي د ورځي په یوه مطلب کي یي دهغو افغانو بندیانو خواشینونکي حالت بیان کړي چي په افغانستان کي دمتحده ایالاتو دپوځیانو په بندکي شپي سبا کوي.

ګاردین دپینتاګون دیو چارواکي له خولي لیکلي که څه هم په افغانستان کي جنګیالي په پوځي جاموکي ندي نیول شوي ترڅو دنړیوالو اصولو له مخي چلند ورسره وشي خو وایي د دوي سره دژینو له نړیوال تړون سره سم چلند نه کیږي. افغان ابزرور هم دمي دمیاشتي په دوولسمه نیټه د ډاکتر عثمان اکرم په قلم یو مقاله خپره کړي چي په کي لیکل شوي دعراقي بندیانو عکسونو دهغو خاموشو افغان بندیانو حالت هم په اذهانو کي تازه کړ چي په ګوانتانامو، بګرام او نورو سیموکي بندیان دي. دخپاره شوي مطلب لیکوال دولس مشر حامد کرزي په حکومت نیوکه کوي چي دخپلو اتباعو دمصئونیت چاري په سمه توګه نه ترسره کوي. ښاغلي اکرم لیکي د دوه زره یوم میلادي کال په وروستیو کي کله چي دطالبانو واکمني نسکوریده دترهګري پرخلاف دمتحده ایالاتو دیوه وتلي متحد جنرال عبدالرشید دوستم ځواکونو په زرګونو طالب اسیران په بي رحمي ووژل خو تر اوسه هم دحامد کرزي حکومت او هم په خپله متحده ایالاتو ددغه جنایت په اړه غوږونه کاڼه اچولي دي.

خو دایشیا تایمز دیوي اوږدي مقالي لیکوال سلیم شهزاد بیا د افغانستان په بیلابیلو سیمو کي دطالب جنګیالو بیا راڅرګندیدل په افغانستان کي دمتحده ایالاتو دځواکونو د زور زیاتي سره تړلي ګڼي او لیکي: «له توري بوري څخه نیولي بیا د زرمت ترلوړو څوکو پوري دمقاومت نوي څپي دقوماندان منصور او جلال الدین حقاني په مشري رامنځ ته شوي دابنایي چي عرب، چیچین، ازبک، پاکستاني او نوروجنګیالو دمتحده ایالاتو له ځواکونو سره دمقابلي لپاره ملاتړلي وي. دي وایي دغه جنګیالي چي دښه سواد لرونکي هم دي دافغانستان پیچلو او هسکو غرونو ته ځي خوبیا نه راګرځي. همدارنګه دنیویارک تایمز وتلي ورځپاڼي په خپل یو مطلب کي دافغانستان دبیا جوړولو دهڅو لپاره دنړیوالو مرستو کچه ډیره ټیټه بللي. دمطلب لیکوال(جیف مادریک) زیاته کړي په تیرو دوو کلونوکي دهر افغان سره په کال کي یواځي اووه شپیته امریکایي دالره مرسته شوي پداسي حال کي چي دکوسوو دبیا جوړولو لپاره دسړي په سر په کال کي اته سوه څوارلس ډالره مرسته شوي ده. نیویارک تایمز دافغانستان دبیا جوړوني لپاره دنړیوالو مرستو دلږوالي یو لامل دعراق جګړه ګڼي چي وایي متحده ایالات او نږدي ملګري یي پکي سخت مصروفه دي. نیویارک تایمز دیوه تن امریکایي کارپوه له قوله لیکي چي دافغانستان اقتصادي وده له سولي او ثبات سره تړلي ده. خو ښاغلي روبین چي د افغانستان دچارو یو ماهر دي دنیویارک تایمز ورځپاڼي سره په مرکه کي ویلي دي چي افغانستان به دامنیت په نشتوالي کي ونشي کړاي چي لازم پرمختګ ترلاسه کړي، ده دناټو دپوځي بلاك او دملګرو ملتو څخه هیله کړي ده چي په دغه هیواد کي دامنیت دتامین له پاره امکانات زیات کړي.

اخلاق جنگ وجنگ اخلاق

حسین آذرخش

جنگ پدیده یی است که خشونت را ترویج می کند و شاغلان آن را در بسا مواقع از اخلاق سالم بی بهره می سازد.

پدیدهٔ تخطی از اخلاق وحقوق بشری در جنگ، در هرکجایی و از سوی هر نیرویی ممکن اتفاق افتد. هرچند این پدیده در کشورها وجوامعی که سال های متوالی را در جنگ گذشتانده اند بیشتر ملموس است، ولی وقوع چنین اتفاقاتی در میان نظامیان کشورهای بسیار پیش رفته ومتمدن خجالت آور است.

در طول سال های دراز جنگ در افغانستان، مطبوعات وسازمان های مدافع حقوق بشر در غرب پیوسته از تخطی های جنگ آوران در افغانستان، از حقوق بشر گزارش هایی بسیار داشته اند. ولی همین سازمان ها هر از چند گاهی نیز به افشای وقوع این گونه اعمال درمیان نظامیان کشورهای پیشرفته وبزرگ دنیا که صاحبان دموکراسی هایی بزرگ نیز هستند، خبر داده اند. رویدادهای اتفاق افتادهٔ این روزها در بعضی از نقاط دنیا من جمله افغانستان وعراق گویای این حقیقت است.

تخطی های نیروهای ائتلاف (عموماً انگلیسی وامریکایی) در عراق این روزها بر سرزبان هاست و از این جریان گزارش هایی تکان دهنده در رسانه های معتبر جهانی انتشار یافته است.

این گزارش ها حاکی است که زندان های موجود نظامیان نیروهای ائتلاف در عراق صحنهٔ رویدادهای تکان دهنده وزشتی بوده اند که وجدان بشریت را آزرده است. در حالی که امریکاییان وانگلیس ها خود را از حامیان پروپا قرص حقوق بشر می دانند وپیوسته سنگ آزادمنشی ودموکراسی را برسینه می کوبند، نظامیان شان در عراق با بدرفتاری های غیر انسانی وتکان دهنده، جایگاه ومقام کشورهای شان را در سطح جهانی لطمه زده اند.

بدرفتاری بازندانیان، توهین، تحقیر واذیت آنها وبدتر از همه بی حرمتی به مقام انسان از سوی این نظامیان در زندان های عراق چنان تکان دهنده بود که دنیا را برآشفت ومسؤولان امور در امریکا وانگلیس ناگزیر به قبول این گونه تخطی ها گردیدند.

اعمال مشابهی از سوی سربازان امریکایی در برابر زندانیان افغانستان در زندان های آنان در افغانستان، برگ دیگری از این گونه عمل کردهای وجدان کش وزجر دهنده است که کارنامهٔ حقوق بشر نیروهای ائتلاف بین المللی را در افغانستان زیر سوال می برد.

سوال اینجاست،حالا که امریکا وانگلیس پیوسته افغان ها را از بدرفتاری در سال های جنگ، قتل وکشتار وصدها پدیدهٔ منفی دیگر متهم می کنند چرا خود نمی توانند نظم لازم نظامی را در واحد های نظامی شان تطبیق وتحکیم بخشند. مگر می شود پدیدهٔ تخطی از سوی امریکایی وانگلیسی مطلوب وپسندیده باشد ولی عمل مشابه آن وقتی از سوی یک نفر از افغانستان صورت بگیرد آن را زشت ومردود بدانیم؟

من نمی دانم به این سوال، جامعهٔ غرب چگونه پاسخ می دهد ولی به این باورم که جنگ پدیده یی نیست که بتوان از آن بوی خوبی وملایمت استشمام نمود. خشونت در انواع آن زاییدهٔ جنگ است وجوامع جنگ زدهٔ دنیا به دشواری می توانند از چنگ اضرار جنگ، این پدیدهٔ وحشتناک بیرون شوند. سالها مبارزه وکار فرهنگی می طلبد تا بتوان روان های آسیب دیده از جنگ را آرامش بخشید و از آن ها اضرار جنگ را بیرون کرد. ولی خشونت، تحقیر واستهزای شهروندان افغانستان وعراق توسط نظامیان انگلیس وامریکا مهم نیست، زیرا آنها وقتی از تمتع ونعمات فراوان و آزادی های روز افزون کشورهای شان، خود را محروم احساس کنند، حق دارند بر روی زندانیان مظلوم بول وبراز کنند و«دنیای» شان آن را جرم نداند؟!!

وزیر تحصیلات عالی پوهاند شهرانی را ...

در علوم اسلامی موفقانه سپری کرده باشند، در غیر آن این دانشکدهٔ با اعتبار اسلامی ، در سطح منطقه و جهان بی اعتبار خواهد شد و در نهایت نقش دین در جامعه روبه تضعیف خواهد نهاد.

اخیرا استاد شهرانی معاون ریاست دولت ، طی فرمانی به وزارت تحصیلات عالی هدایت داده است که تنها فارغان مدارس دینی را به عنوان متخصصان امور اسلامی به شرعیات معرفی نماید و از شمولیت شاگردان مکاتب عمومی و غیر متخصص جلوگیری کند.، ولی وزیر تحصیلات عالی این فرمان را مغایر حقوق بشر توصیف نموده و در پای آن نوشته است: «تخصیص پوهنځی شرعیات به فارغان مدارس دینی نقض حقوق بشر است» نکته یی قابل توجه این که وزارت تحصیلات عالی از یک طرف محرومیت دانشجویان غیر مسلکی را از تحصیل در فاکولتهٔ شرعیات ، نقض صریح حقوق بشر تلقی می کند اما از سوی دیگر صد ها و هزارها دانشجوی مسلکی و درس خوانده در مدارس دینی را از شمولیت و ادامهٔ تحصیل در فاکولته های غیر شرعیات مانند طب، حقوق، انجنیری، و ساینس و ... محروم کرده است اگر راه نیافتن شاگردان مکاتب عمومی به شرعیات نقض حقوق بشر و تخطی از قانون دانسته شود، پس وزارت تحصیلات عالی با سلب حق آزادی تحصیل و جلوگیری از ورود طلاب مسلکی علوم دینی به فاکولته های غیر تخصصی ، بزرگ ترین ناقض حقوق بشر باید شناخته شود. هم چنان وزیر تحصیلات عالی به تاریخ ۵جوزا به رادیو صدای آشنا گفت که افغانستان بیشتر از این به قاضی، داکتر وسارنوال ضرورت ندارد وحتا اضافه نمود که در جامعهٔ ما به فارغان دانشکدهٔ شرعیات ضروتی محسوس نیست.

معلوم نیست که شریف فایز این همه احصاییه گیری را چگونه به تنهایی انجام داده است. در حالی که حکومت افغانستان هم اکنون صدها متخصص خارجی را بامعاشات بلند دلاری استخدام کرده است، چگونه امکان دارد که مردم خودش بی نیاز از تحصیلات عالی شده باشند؛ مگر این که بخواهند کشور برای همیشه به متخصصین دلاری وابسته بماند.

در طی دوسال پسین، وزارت تحصیلات عالی یکی از ادارات حکومتی بوده که پیوسته وضعی متشنج داشته است، استفاده جویی های چند مرتبه ای در این وزارت، رسماً افشا گردید. محصلان بنا بر اقدامات ناشیانهٔ مقامات بارها به اعتصاب وتظاهرات دست زده اند وحتا کار به جایی کشید که مأموران وزارت، پرسش های امتحان کانکور را در بدل دلار فروختند.

معلوم نیست پس از این همه افتضاح، چرا حکومت نتوانست در کفایت رهبری وزارت تغییر وارد کند؟

دموکراسی؛ از هند...

و تهدید به خود کشی نمودند. شرط آن ها این بود که اگر سونیا گاندی عهدهٔ نخست وزیری را نپذیرد، خودکشی خواهند کرد.

تعجب برانگیز نیست؟ یک خانم ایتالیایی الاصل در کشوری کثیرالملیت مانند هندوستان به این پیمانه از محبوبیت در میان مردم می رسد، و اما در کشورما؟

برای من قابل تأسف است و حتی باید به حال این مملکت گریست که اگر مردم ما تهدیدی برعکس را بکنند، هیچ کسی و حتی مامورین عادی هم حاضر نخواهند شد از عهده های خود کنار بروند. کار رئیس دولت و کرسی های بلند در کابینه حرفی بسیار بلند است! و حتی در این جا برعکس، گاه زمامداران را تهدید می کنند که هر طوری شده است، رأی خود را به من بسپار که من صدراعظم شوم و یا این که می گویند هر کسی که خود را می کشد و یا به هر شکلی که می میرد مهم نیست، مهم این است که من حکومت کنم.

دموکراسی پدیدهٔ عجیبی است. از هند تا به کابل این همه تفاوت را می توان در آن سراغ یافت. گاهی ماه چند مظاهره و اعتصاب برپا می گردد، مردم در هر سطحی که زندگی می کنند از کارکرد های حکومت، از شیوهٔ بازسازی و از نحوه های برخورد در برابر خود راضی نیستند؛ اما وقتی صحبت های رسمی مامورین عالیرتبه دولت را بشنوی، فکر می کنی که این ها اعضای عالیرتبهٔ حکومت هندوستان باشند که این همه از موجودیت دموکراسی و رعایت اصول آن در کشور خود مطمئنانه صحبت می کنند.

گوشت های هندی بازار های کابل را اشغال کرده است، اما چه وقت دموکراسی هندی به افغانستان می رسد و این پدیده چیست که جای دموکراسی را به نام دموکراسی اشغال کرده است، ولی خودش نیست؟

کاش هندوستان به جای چند موتر سرویس تاتای ملی بس و بسته های گوشت، می توانست مقداری اخلاق دموکراسی را در جمع کمک های بلاعوض خود به ما بفرستد.

اسلام، دموکراسی و ...

رأی گیری عمومی به راه انداخته شد وجنرال ایوب در برابر فاطمه جناح به پیروزی دست یازید، به تعقیب آن این جنرال برای پنج سال دیگر نیز انتخاب گردید و در نتیجه یک کودتای نظامی از میان رفت، به تعقیب آن اشخاص دیگری در این کشور از طریق انتخابات به قدرت رسیدند که هر یک در دام یک کودتا سقوط نمودند که آخرین آن نواز شریف می باشد. همین گونه کشور مالیزیا، بنگله دیش، الجزایر وسایر کشورهای اسلامی از طریق انتخابات آزاد نظام سیاسی خویش را تعیین می کنند. اما افغانستان به مثابهٔ یک کشور اسلامی وشرقی تلاش هایی زیاد از مشروطیت اول گرفته تا مشروطیت دوم و دههٔ دموکراسی تا صدارت شاهی را همواره در جهت انتخابات ومحدود نمودن قدرت مطلقهٔ شاه تجربه کرده است. در این کشور می شود به وسیلهٔ انتخابات یک سلسله معضله های سیاسی را حل نمود، اما قبل از انتخابات شرایط ومیکانیزم آن حتمی است، اول باید ذهنیت انتخابات را در وجود افراد احیا کرد، بعداً به طرف انتخابات رفت.

هم اکنون کشور در یک بحران عمیق اجتماعی وسیاسی فرو رفته است، وکشورهای مختلف وملل متحد به کمک این مردم شتافته است. آیا می شود در چنین جو حاکم سیاسی که فضای برخی از ولایات افغانستان را رعب وترس فراگرفته است با یک حرکت دراماتیک آنهم در شهرها، نام انتخابات را بالای آن گذاشت؟ آیا این دشواری های ما حل خواهد شد؟ این سوال هایی است که مردم منتظر جواب آنهایند. به رنگ مثال در پوهنتون کابل در سال۱۳۸۱ از سوی وزیر تحصیلات عالی که همواره دموکراسی می گفت، انتخابات به راه افتاد، بعداً او این انتخابات را نقض کرد وگفت این اشتباه بوده است. طوری که در یک محیط کوچک علمی نمی تواند سیستم انتخابات در جو کنونی بالای پاهای خود بایستد،

آیا می شود با حرکت های پشت پردهٔ دراماتیک وتشریفاتی وبامصرف پول های کلان این همه معضلات را پایان داد ونام مشروعیت را بر آن گذاشت؟

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال سوم شمارهٔ هشتم چهارشنبه ۶ جوزا ۱۳۸۳ ۶ ربیع الاخر ۱۴۲۵ – 26 May 2004

برخی از مسائل ملی در وزارت اطلاعات وفرهنگ مورد بحث قرار گرفت

به روزهای ۳۰ و۳۱ ثور، وزارت اطلاعات وفرهنگ در سالن مطبوعات بین المللی میزبان شخصیت های مختلف سیاسی بود تا نظریات آنان در پیرامون مسائلی ملی را بازتاب دهد.

این نشست که بیش از ۲۵ شخصیت در ان شرکت داشتند، در نوع خود در تاریخ کشور ما بی سابقه است و می تواند ابتکاری با ارزش در راستای حل مسائل ملی به حساب آید.

نقص عمدهٔ نشست این بود که شخصیت های اشتراک کننده براساس احزاب، فراخوانده شده بودند نه براساس دیدگاه ها واندیشه های شان، همهٔ احزاب یک یک نفر دعوت شده شده بود. به همین لحاظ درمیان اشتراک کنندگان، سران احزاب یک عضوی در کنار سران احزاب بزرگ قرار داشتند در حالی که برخی از اشتراک کنندگان درست نمی دانستند چه بگویند. بهتر است چنین مباحثاتی بادر نظر داشت دیدگاه ها واندیشه های گونه گون راه انداخته شود نه بر پایهٔ سهمیهٔ احزاب. به هرحال ادامه دادن به این گونه مباحثات ونشست ها می تواند نتایجی بسیار مثمر در پی داشته باشد واقدام کنونی وزارت اطلاعات وفرهنگ را باید با وجود ملاحظات بالا قدر دانی نمود.



سونیا گاندی و من موهن سنگهـ صدراعظم جدید هند

دموکراسی؛ از هند تا کابل

پشیانی

وقتی که در نتیجهٔ انتخابات اخیر در هندوستان، حزب کانگرس به رهبری سونیا گاندی برنده شد و حریف قو ی خود واجپای را که زمام امور را نیز به دست داشت، شکست داد غوغایی عجیب سراسر هندوستان را فرا گرفت. برای بسیاری ها باورنکردنی بود که خانمی ایتالیایی الاصل بتواند حریف قوی سیاسی خود را شکست بدهد.

نخستین ژورنالیستی که سراغ سونیا گاندی را گرفت، یک ایتالیایی بود. او به زبان ایتالیایی پرسشی را از سونیا گاندی مطرح کرد؛ اما سونیا گاندی در پاسخش گفت که باید به زبان رسمی هندوستان صحبت کند و نمی خواهد که به چنان سوالی به زبان ایتالیایی پاسخ بدهد.

چند روز پس از انتخابات را علاقه مندان سیاست در این اضطراب سپری کردند که چه وقت و چه گونه سونیا گاندی بر اریکهٔ قدرت تکیه می زند. منابع خبری دنیا از جمله بی بی سی، طی تحلیل هایی گفتند که سونیا گاندی اگر امروز و یا فردا کرسی صدارت را به عهده گیرد مهم نیست، امر مسلم این است که او پس از اعلام نتایج انتخابات، عملاً صدراعظم هند شده است.

تمام این انتظار ها وقتی بیهوده ثابت شد که حزب کانگرس هند، من موهن سنگهـ را به عنوان نخست وزیر معرفی کرد و سونیا گاندی گفت که قلبش به او تفهیم کرده است که نباید این عهده را شخصاً به دوش بگیرد.

سونیا گاندی ثابت کرد که واقعاً سیاستمداری دور اندیش است و من در کابل به این افسوس اندر شدم که آن همه سال هایی را که سونیا گاندی می تواند با دور اندیشی خود محاسبه کند، کاش رهبران سیاسی ما می توانستند همان مقدار روز پسین را پیشبینی کنند!

محبوبیت سونیا گاندی: زمانی ثابت گردید که عده یی از مردم به سرک ها بر آمده

ص۷

موسفیدان بدخشان، مشکلات مردم را بامسؤولان مطرح نمودند

حدود یک هفته پیش، جمعی از موسفیدان وبزرگان ولایت بدخشان به کابل آمده وطی ملاقات هایی با حامد کرزی رئیس دولت، آقای خلیلزاد سفیر ایالات متحده ومارشال فهیم معاون رئیس دولت و وزیر دفاع، مشکلات محیطی شان را مطرح نمودند.

این هیأت هم چنان با انوار الحق احدی رئیس بانک مرکزی افغانستان وشاکرکارگر وزیر برق ملاقات نمودند.

رئیس دولت و مارشال فهیم هردو پس از استماع شکایات وخواسته های آنان، وعده سپردند که در امر بازسازی و ادارهٔ بدخشان توجه می کنند، همچنان هردوی آنان فرمان دادند که فاکولتهٔ طب بدخشان کما فی السابق به فعالیتش ادامه دهد.

زلمی خلیلزاد به هیأت وعده سپرد که سفری به بدخشان انجام داده و در حل مشکل مردم وبازسازی آنجا از همکاری دریغ نخواهد ورزید.

انوارالحق احدی به هیأت وعده سپرد که نمایندگی بانک را در بدخشان ایجاد خواهد کرد، هم چنان آقای کارگر سپردن یک پایه جنراتور۲۵۰ کیلو وات را برای اهالی بدخشان وعده داد.

با این همه، هیأت بزرگان بدخشان تقاضای اساسی خود را عدم انجام یافتن وعده هایی شمردند که از جانب حکومت ومسؤولان صرف بر روی کاغذ صورت گرفته است.

هیأت به نمایندگی از مردم، از نحوهٔ ادارهٔ دولتی در ولایت خویش شکایت نموده ومی گفتند که حکومت از دید چند فرماندهی که به حکومت نزدیک و از مردم دور اند، به بدخشان نگاه می کند که این نگاه دولت در مسائل بدخشان بسیار اشتباه آمیز بوده است وباید دولت در این باره تجدید نظر کند.

گفته می شود که رئیس دولت برای حل مشکلات مردم بدخشان، هدایات لازم را به مراجع مربوط صادر نموده است؛ هیأت امیدوار است که این بار هدایات از روی کاغذ به صحنهٔ عمل وارد گردد.

در جمع هیأت سید محمد امین طارق والی سابق بدخشان، وکیل عبدالرسول خان، سناتور زمری خان، سراج الدین خان، میرزا عبدالوهاب خان، الحاج غلام محمد مجددی، الحاج میرزا محمد شریف خان، داکتر عبدالوکیل و الحاج غلام سخی خان اشتراک داشتند.

امتیاز روزنامهٔ انیس به فروش گذاشته شد

وزارت اطلاعات وفرهنگ افغانستان امتیاز روزنامهٔ ملی انیس را به فروش گذاشته است. روزنامهٔ انیس که با سابقهٔ۸۶ سال روزنامهٔ فارسی زبان افغانستان است توسط غلام محی الدین انیس تأسیس شده است وبه دولت تعلق دارد به سکتور های خصوصی واگذار می شود. این سوال وجود دارد که چرا روزنامهٔ انیس در حالی که دو روز نامهٔ دیگر نیز از طرف دولت در کابل به نشر می رسد وسخنی از خصوصی سازی آن دو در میان نیست به فروش رسانیده می شود؟

وزیر اطلاعات وفرهنگ دلیل آن را ناتوان بودن وزارت اطلاعات وفرهنگ در پرداخت هزینهٔ آن می داند، در حالی که برخی از صاحب نظران دلائلی دیگر در این زمینه ابراز داشته اند.

در اجلاس سران کشور های عربی

مسألهٔ فلسطین، عراق و اصلاحات در مجامع عربی مورد بحث قرار گرفت

در هفتهٔ جاری اجلاس سران کشور های عربی در پایتخت تونس برگزار گردید. در این اجلاس، قضایایی مهم و حیاتی برای جامعهٔ عرب، مانند مسألهٔ فلسطین ، عراق و قضیهٔ اصلاحات دموکراسی در ممالک عربی مورد غور و بررسی قرار گرفت. نمایندگان کشور های عربی ، در این نشست بر تشکیل حکومت مستقل فلسطینی، انتقال فوری قدرت به مردم عراق و ضرورت اصلاحات در مجامع عربی و دموکراتیزه کردن جریان های موجود، در نظام این ممالک تأکید ورزیدند.